

## پشت پرده تغییر لحن آمریکا در قبال اسد

تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا در اظهاراتی در آنکارا، گفت که «سرنوشت اسد را مردم سوریه تعیین می کنند».



به گزارش آران نیوز: رکس تیلرسون، وزیر امور خارجه آمریکا در اظهاراتی در آنکارا، گفت که «سرنوشت اسد را مردم سوریه تعیین می کنند»؛ شون اسپایسر، سخنگوی کاخ سفید نیز اعلام کرد که «در مورد اسد، یک واقعیت سیاسی وجود دارد که ما باید برحسب شرایطی که هم اکنون در آن به سر می بریم، آن را بپذیریم. ما در دولت قبلی فرصت های زیادی را در مورد اسد از دست دادیم. ما اکنون لازم است که بر شکست داعش تمرکز کنیم» این موضع از سوی آمریکایی ها به مثابه عقب نشینی از موضعی بود که طی شش سال گذشته از سوی مسئولان آمریکایی بیان می شد. آمریکایی ها ضمن حمایت گسترده از مخالفان سوریه، هزینه های زیادی برای آموزش آن ها صرف کردند. این موضع گیری آمریکا قابل توجه است، زیرا در دوره باراک اوباما با وجود تعدیل استراتژی آمریکا، اصرار بر حذف بشار اسد از معادلات سوریه بود. اما دلیل این موضع جدید آمریکایی ها و شباهت مواضع به روسیه چیست؟ شش سال، زمان زیادی بود تا مشخص شود که رویای ساقط کردن نظام سوریه در شش ماه، خوابی آشفته است و رویایی صادقانه نیست.

در این مدت، دو نوع نگاه بر مطالبات سیاسی پیرامون سوریه مطرح بود: همپیمانان جبهه مقاومت که مطرح می کردند «تنها مردم سوریه حق تعیین سرنوشت خود را دارند» و طیف مقابل، با صحنه گردانی آمریکا، عربستان و رژیم صهیونیستی که شعار «همه چیز در سوریه، منهای اسد» را سر می دادند. اگر چه آمریکایی ها در اواخر دوران اوباما به خوبی دریافته بودند که با تروریست های متحد خود در میدان کنش سیاسی سوریه به جایی نمی رسند و با کمی ارفاق مطرح می کردند که اسد می تواند در دوره انتقالی و با اختیارات محدود در قدرت باقی بماند، اما ترامپ شعارهای تند و تیزی در خصوص حل و فصل بحران در سوریه و جنگ با داعش سر می داد. تیم سیاسی جدید کاخ سفید از تصمیم قاطع خود در اجرای عملیات آزادسازی رقه با حضور یگان های مدافع خلق خبر می داد و در همین راستا، تعداد نظامیان آمریکایی حاضر در سوریه به یک هزار تن، افزایش یافت.

با این حال، اخبار حاکی از آن بود که حمایت از تروریست های سوریه در برابر نظام قانونی سوریه و رئیس آن، راهبرد اصلی کاخ سفید در قبال این کشور باشد اما به یکباره، دست کم، «سیاست اعلامی» کاخ سفید تغییر کرد؛ تا آنجا که فرح الاتاسی، عضو هیئت عالی مذاکرات معارضان سوریه در ژنو، گفت که «معارضان پیام های ضد و نقیضی از سمت آمریکا دریافت می کنند و ما هیچ نقشی برای بشار اسد در مراحل آینده قائل نیستیم» اما در پس ذهن ترامپ درباره سوریه چه می گذرد؟ آیا این مقدمه ای برای تغییر مسیری است که واشنگتن تاکنون پیموده است؟ آیا این موضع با توجه به نزدیک بودن زمان عملیات در رقه و پایان داعش در موصل عراق اتخاذ شده است، یا این که باید آن را به حساب تغییر سیاست ها بر اساس منافع بدانیم؟ رابطه ترامپ با واقع گرایی در سوریه

ترامپ دوران انتخابات را باید از شخصی که امروز در کاخ سفید است، متفاوت دانست؛ زیرا، امروز ترامپ مجبور نیست سیاست را بازی کند و باید آن را در عمل زندگی کند. از این رو، «ترامپسیسم» که مبتنی بر رویه های «پوپولیستی» و شعارها و خوراکی تبلیغاتی بود، کمی با ترامپسیسم امروز درون کاخ سفید، تفاوت دارد؛ اگر چه مرد جنجالی آمریکایی ها نشان داده که به هیچ وجه قابل پیش بینی نیست و از سوی دیگر نمی توان از «بازیگران سینوسی» در عرصه بین المللی نظیر ترکیه و آمریکا انتظار «سیاست های با ثبات» را داشت، اما دست کم در قبال آینده سوریه و اسد، به نظر می رسد که ترامپ و همراهانش در کاخ سفید به سیاستی واقع گرایانه در قبال سوریه رسیده باشند. سیاستی که نسخه متاخر آن را پیشتر از لسان متحدان سوریه نظیر ایران و روسیه که در مقابل تحولات سوریه عملگرا ظاهر شده اند، به کرات شنیده بودیم اما اگر بپذیریم که ترامپ اکنون به واقع گرایی در قبال سوریه دست یافته است، دلیل آن چه چیز می تواند باشد.

نخستین نکته ای که تحلیلگران در این خصوص مطرح می کنند، «بازی باخته» آمریکایی ها در عرصه میدانی سوریه است. موضع گیری های تخریبی واشنگتن در سوریه، چیزی جز جان باختن عده بسیاری و ویرانی گسترده به بار نیاورده است. از سوی دیگر، در حالی که اسد، بخش زیادی از اراضی سوریه را با اتکا بر حمایت های جریان مقاومت و متحد روس خود در اختیار دارد و ترکیه از پایان یافتن عملیات سپر فرات سخن می گوید و تروریست های تحت حمایت آمریکایی ها در موضع انفعال قرار گرفته اند، نمی توان در مسیر خلاف جریان میدانی سوریه حرکت کرد. ارتش سوریه حلب و تدمر را پس گرفته است و حملات گسترده تروریست های ضد نظام در سوریه به دمشق، راهبه جایی نبرده است.

هنگامی که نظام سوریه، حامیانی قدرتمند در منطقه دارد که توانسته اند به جریان اصلی در سوریه کمک کنند تا در برابر فشار جریان های زودگذر، اما ویرانگر، ایستادگی کند، قطعه ادامه این شرایط، دوران محاسبات «هزینه- فایده گرایانه» خواهد بود. آمریکا و متحدان غربی آن، دریافته اند که «جنگ وقتی طولانی شد، فرسایشی و هزینه بردار می شود» امروز، غربی ها و مردان ثروتمند و اقتصاددان درون کاخ سفید می دانند که کشدار شدن بحران سوریه زیان های اقتصادی بسیاری را به دنبال خواهد داشت. از این رو، شاید ترامپ بخواهد تا آبرومندانه، آرام از سوریه خارج شود. یکی از شرایط این خروج آبرومندانه، واگذاری

سرنوشت اسد و سوریه به ملت سوریه است.  
فرصت آخر ترامپ برای استفاده از تروریست‌ها

ترامپ، همانند سلف گذشته خود، سیاست اصلی ائتلافی را که واشنگتن در سوریه رهبری می‌کند و اسم آن را «ائتلاف آمریکایی ضد سوریه» گذاشته‌اند، حمایت از تروریست‌ها قرار داده است. تروریست‌هایی که با وجود صرف هزینه‌های بسیار زیاد توسط آمریکا، در موضع انفعال قرار دارند. تحلیلگران اندیشکده‌های آمریکایی، ویژگی اصلی این تروریست‌ها را که باعث شده تا آمریکا نتواند از آن‌ها آنگونه که باید استفاده لازم را در عرصه تحولات میدانی سوریه داشته باشد، «اختلافات داخلی» بسیار زیاد آن‌ها بیان کرده‌اند اما تیر آخر آمریکا برای حل این مشکل، شاید، اعلام تغییر رویه در سوریه و در قبال اسد باشد تا همزمان با اعلام شرط سیا برای ادامه حمایت از این تروریست‌ها در صورت اتحاد آن‌ها با یکدیگر، آنان را به واکنش و همگرایی در راستای منافع واشنگتن وادارد.

اگر چه تحقق این همگرایی و کم و کیف آن بسیار دوراز ذهن به نظر می‌رسد، اما حتی طرح آن می‌تواند، رضایت ریاض از واشنگتن را جلب کند. زیرا تروریست‌های سوریه، اتحاد آن‌ها و هماهنگی‌شان، خواست عربستان نیز هست. با این وجود، به طور قطع، نمی‌توان درباره آنچه در ذهن شخصی نظیر ترامپ در قبال سوریه می‌گذرد، صحبت کرد و باید منتظر ماند و دید که در آینده ترامپ و همراهانش در کاخ سفید، چه سیاست‌هایی را اتخاذ خواهند کرد و کنش متقابل دولت، ملت و متحدان نظام قانونی سوریه چه خواهد بود.

منبع: روزنامه خراسان